



شعر سیاسی ایران از سقوط رضا شاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

مهدی حسنی باقری شریف آباد^۱

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یافت، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۵

چکیده:

یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ است. در این دوره پس از برکناری رضا شاه از قدرت به دست متفقین، نوعی خلاء قدرت در کشور پدید آمد که در پرتو آن و در نبود قدرتی استبدادی، فضای باز سیاسی در کشور شکل گرفت که از آن عموماً با عنوان دوران «دموکراسی نیم‌مدار» یاد می‌شود. در این دوره برای اولین بار پس از سال‌های آغازین مشروطیت، احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی با تفکرات و سلايق مختلف مجال عرض اندام می‌یابند. این مقاله تاثیر این دوران را بر ادبیات ایران مد نظر قرار داده است و با طرح پرسشی پیرامون وضعیت کلی ادبیات سیاسی در حوزه شعر، تلاش کرده است با استفاده از روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و

^۱ .mehdi.hassanibakri@gmail.com

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و تحلیل محتوا درونمایه اصلی آثار مهم‌ترین شاعران این دوره را بررسی کند. در نهایت این پژوهش به این نتیجه رسیده است که به تبع وجود فضای باز سیاسی در این سال‌ها و امید به بهبود اوضاع، درونمایه ادبیات سیاسی ایران در حوزه شعر با تغییر آشکاری نسبت به دوران بسته رضاشاه به سوی مردم‌گرایی، تعهد، دعوت به مبارزه، واقع‌گرایی و طرح مضمون‌های خوشبینانه حرکت کرده است.

واژگان کلیدی: تاریخ معاصر ایران - ادبیات سیاسی - شعر سیاسی - شعر معاصر - کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۱- مقدمه

یکی از مقاطع حساس تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوره معاصر فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ می‌باشد. ویژگی منحصر به فرد این دوران خلاء قدرت سیاسی و در نهایت نبود حاکمیت استبدادی است. اگر بتوان جوهره تاریخ سیاسی ایران را در تمامی مقاطع تاریخی استبداد دانست، در این دوره به دلیل شرایط ویژه بین‌المللی که منجر به برکناری رضاشاه از حکومت توسط قدرت‌های بزرگ جهانی درگیر در جنگ عالم‌گیر دوم (امریکا، انگلستان، شوروی) شد؛ و از طرف دیگر ضعف جانشین وی (محمدرضا)، کشور وارد دوره - ای شد که از آن با عنوان دوره‌ی «دموکراسی نیم‌دار» یاد می‌کنند. در این سال‌ها احزاب و جمعیت‌ها با عقاید گوناگون سر بر آوردند و فعالیت حزبی و گروهی را در فضایی ملتهب و پر جنب و جوش آغاز کردند. یکی از تبعات وجود چنین فضایی شکل‌گیری ادبیاتی متفاوت در شکل و محتوا بود. مضامین مطرح شده در آثار این دوره گرچه به ادبیات صدر مشروطیت شباهت دارد، اما تفاوت‌های عمده‌ای نیز با آن پیدا می‌کند که مهم‌ترین آن تجربه فضای آزاد از سوی نویسندگان است.

در این پژوهش با پیش فرض کلی وجود رابطه بین ادبیات و شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه و با طرح پرسشی پیرامون وضعیت شعر سیاسی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰

تا ۱۳۳۲؛ تلاش شده است تا در قالب فرضیه‌ای مواردی چون «مردم‌گرایی»، «واقع‌گرایی» و «خوشبینی و امید به تغییر» مورد بررسی قرار گیرد.

مهم‌ترین هدف این مقاله، پژوهش پیرامون تاثیر شرایط موجود در فضای سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بر آثار ادبیات سیاسی در حوزه‌ی شعر است. در کنار این هدف اصلی می‌توان به اهدافی چون بررسی مضامین اصلی ادبیات سیاسی و اجتماعی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ اشاره کرد. روش گردآوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای، و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و تحلیل محتوا می‌باشد.

پیرامون شعر سیاسی در ایران معاصر مطالعات چندی انجام شده است که ذیلاً به چند مورد اشاره می‌شود.

«محمد تقی جواهری گیلانی» (شمس لنگرودی) (۱۳۷۷) در جلد اول کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» به بررسی وضعیت شعر نو در دوره حکومت پهلوی اول در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ می‌پردازد. از دیدگاه وی این دوره، دوره «آزادی و شکوفایی شعر نو» است. جواهری گیلانی معتقد است در این سال‌ها شعر نو ریشه می‌بندد و به عنوان نوع ادبی تاثیرگذاری مطرح می‌شود.

«احمد درستی» (۱۳۸۱) در کتاب «شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم»، چهار جریان شعر سیاسی ایران را در دوره زمانی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ را مورد بررسی قرار می‌دهد. از دیدگاه نویسنده عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تاثیرگذار بر شعرهای سیاسی این دوره را می‌توان در مواردی مانند اشغال ایران توسط متفقین، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، قیام خرداد ۱۳۴۲، حادثه سیاهکل، انجمن‌های نویسندگان، مطبوعات، ترجمه‌ها و... جستجو کرد. نویسنده در این کتاب شعر سیاسی ایران را در این مقطع تاریخی در قالب گرایش‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی، اسلامی و سلطنت طلبانه دسته‌بندی کرده است.

«محمد قراگوزلو» (۱۳۸۵) در مقاله «درآمدی بر تبارشناسی شعر سیاسی و اجتماعی» پیشینه پیوند ادب و سیاست را در ایران بررسی کرده است. وی با طرح شعرهای سیاسی و اجتماعی شاعران ایرانی تلاش کرده تا جنبه‌های سیاسی و اجتماعی این آثار را نشان بدهد.

«مریم رضا بیگی» (۱۳۹۲) و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جریان‌ها و تحولات شعر فارسی از دهه‌ی ۲۰ تا دهه‌ی ۵۰ با تکیه بر اشعار نادر نادرپور» به بررسی بینش سیاسی - اجتماعی شاعران و جهت‌گیری آن‌ها از دهه‌ی ۲۰ تا ۵۰ پرداخته‌اند. تمرکز اصلی نویسندگان بر مضامین شعری رایج این دوره، به‌ویژه مقوله‌ی مرگ و تاثیر عوامل سیاسی و اجتماعی دخیل در ادبیات این مقطع مانند اشغال ایران توسط متفقین، جنگ، کودتای ۲۸ مرداد و قیام‌های چریکی است. در بخشی دیگر از این مقاله به شعر و زندگی نادر نادرپور به عنوان نماینده‌ی سه دوره‌ی متفاوت اجتماعی و ادبی پرداخته شده است.

«سید رضا ابراهیمی» (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «ترامنتیت در شعر شاملو: نواندیشی در کاربرد مضامین کهن الگوها و اسطوره‌های ادبیات ایران و جهان در شعر رکسانا» با بهره‌گیری از نظریات «ژرار ژنت» پیرامون نقد بینامتنی، شعر بلند «رکسانا»ی شاملو را از لحاظ تاثیرپذیری شاعر از کهن الگوها و روایت‌های متون ادب فارسی و جهان و چگونگی خلق فضا و مفاهیم جدید، به بحث گذاشته است. نویسنده معتقد است خوانش ترامنتی شعر رکسانا جنبه‌هایی از جستجوی اسطوره‌ای شاعر را برای یافتن نیمه گمشده روح خود آشکار می‌کند و پنجره‌ی جدیدی را به سوی جهان‌بینی اندیشه‌های شاعر می‌گشاید.

در این مقاله پس از بیان مقدمه، گفتاری پیرامون رابطه ادبیات و سیاست خواهد آمد و سپس موارد مطرح شده در فرضیه با تجزیه و تحلیل شعرهای شاعرانی چون نیما یوشیج، احمد شاملو، هوشنگ ابتهاج و سیاوش کسرایی به آزمون گذاشته خواهد شد.

۲- تعاریف، مفاهیم و روش‌شناسی پژوهش

ادبیات را می‌توان در دو معنای عام و خاص تعریف کرد. ادبیات در معنای عام هر نوع نوشته - ای را مانند بخشنامه‌ها، رساله‌ها، اعلان‌ها، و اعلامیه‌ها و آثار تاریخی و علمی و فلسفی و ادبی در بر می‌گیرد. ادبیات در معنای ویژه و خاص به آثاری اطلاق می‌شود که از روی اراده برای ارائه مقصود معینی به کار رفته و از نظر زیبایی و سبک و شکل با ارزش و معتبر باشد (میر صادقی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳).

اما آنچه به طور طبیعی در برخورد با ادبیات به ذهن انسان خطور می‌کند وجود عناصری چون تخیل و نوعی التذاذ حاصل از خواندن متنی ادبی است. بنابراین تعریف «دیوید دیچز» در کتاب «شیوه‌های نقد ادبی» ما را به مفهوم طبیعی ادبیات نزدیک تر می‌کند. وی می‌نویسد:

«ادبیات نوعی از انواع انشاء به نثر یا نظم است که هدفش فقط ابلاغ حقایق نیست، بلکه بیان داستان یا لذت خاطر بخشیدن به خواننده است با استفاده از نوعی تخیل آفریننده در کاربرد کلمات» (دیچز، ۱۳۶۶: ۲۹).

ادبیات به مفهوم عام به شاخه‌های گوناگونی قابل تقسیم است که از آن جمله می‌توان به شعر، داستان، نمایشنامه، زندگینامه‌نویسی، سفرنامه و ... اشاره کرد. از این میان شعر و داستان را می‌توان رایج‌ترین انواع ادبی دانست.

شعر از مقولات تعریف ناپذیری است که نمی‌توان معنایی جامع و مانع از آن به دست داد؛ و در عین حال به تعداد شاعران جهان و حتی فراتر به تعداد شعرهای جهان یا به تعداد قرائت یک شعر تعریف برای آن وجود دارد.

از آن‌جا که شعر مهم‌ترین نوع ادبی در طول تاریخ ایران است، بنابراین با نگاهی به آثار گذشتگان تعریف‌های متعددی از آن می‌بینیم. از قرون اولیه اسلامی که شعر فارسی در معنای جدید آن و تحت تأثیر نظام عروضی عربی شکل می‌گیرد، دو تعریف اصلی از شعر به چشم می‌خورد:

۱- تعریفی که وزن و قافیه را معیار اصلی شعر می‌داند و بیشتر از سوی سخن‌شناسان مطرح می‌شود.

۲- تعریفی که «منطقیون» از شعر ارائه می‌دهند و تخیل را عنصر ذاتی آن می‌دانند (مسلمانان قبادیانی، ۱۳۸۷: ۳۱).

البته در این میان باید به تعریف‌های کسانی چون خواجه نصیرالدین طوسی که با ادغام این دو مقوله تعریفی جدید و کامل‌تر از شعر و عناصر اصلی آن ارائه کرده‌اند نیز اشاره کرد. مشهورترین تعریف شعر در زبان فارسی از آن «نظامی عروضی» است. وی در کتاب «چهار مقاله» شعر را این گونه تعریف می‌کند:

شاعری صنعتی است که شاعر بدان صناعت اتساق مقدمات موهمه کند و التئام قیاسات منتجه بر آن وجه که معنی خرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خرد، و نیکو را در خلعت زشت باز نماید و زشت را در صورت نیکو جلوه کند و به ایهام قوتهای غضبانی را بر انگیزد تا بدان ایهام طباع را انقباضی و انبساطی بود و امور عظام را در نظام عالم سبب شود (نظامی عروضی، ۱۳۶۴: ۴۲).

اکثر تعریف‌هایی که در دوره‌های دیگر از شعر شده است در ذیل این تعریف جای می‌گیرد. نکته قابل توجه در تعریف شعر، تغییرات متأثر از محیط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. در هر عصری نویسندگان تلاش کرده‌اند به مقتضای حوادث اجتماعی و سیاسی تعبیر جدیدی از شعر ارائه دهند.

در روزگار ما نیز تعریف شعر کاری پر رونق است. دکتر شفیعی کدکنی در کتاب «ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت» در تعریف شعر دو عنصر عاطفه و تخیل را محور قرار می‌دهد و با اضافه کردن آهنگ به آن شعر را این گونه تعریف می‌کند: «شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۳).

برای نزدیک شدن به مفهوم شعر سیاسی، ناگزیر باید تعریفی از سیاست نیز ارائه گردد. سیاست نیز مانند ادبیات، شعر، داستان و... مفهومی تعریف ناشدنی است و در طول تاریخ هر یک از اندیشمندان سیاسی تعریفی به فراخور موقعیت زمانی و مکانی خود از آن ارائه کرده-

اند. به عنوان مثال در یونان باستان سیاست وسیله و ابزاری برای رسیدن به اهداف غایی و عالی تر محسوب می شده است. یا رومیان باستان بیشتر به جنبه های حقوقی توجه داشته اند، در حالی که ایرانیان باستان نفس سیاست را هدف می دانستند.

مهم ترین و مشهورترین تعریف سیاست از آن «موریس دورژه» فرانسوی است. وی در آغاز کتاب اصول علم سیاست با اشاره به دو تعریف رایج از سیاست که یکی سیاست را علم و دومی آن را فن و عمل می داند، در نهایت ماهیت و جوهره ی سیاست را قدرت فرض می کند و سیاست را «علم قدرت» می داند.

۳- رابطه شعر و اجتماع و سیاست

مهم ترین پیش فرض در تعریف شعر سیاسی رابطه ادبیات و اجتماع است. آیا بین محیط زندگی شاعر و آنچه پیرامون او می گذرد، با خلاقیت ادبی او ارتباطی وجود دارد؟ آیا آفرینش های ادبی متأثر از تحولات پیرامون خالق آن است؟ نظرات گوناگون و متفاوتی پیرامون تأثیر محیط بر ادبیات و رابطه بین ادبیات و اجتماع مطرح شده است که ذیلاً به برخی از مهم ترین آنها خواهیم پرداخت.

«توماس کارلایل» در کتاب تاریخ شعر آلمان معتقد است شاعر می تواند گرایش های معنوی حاکم در هر دوره را کشف، و به ما نشان دهد. وی می نویسد:

تاریخ شعر یک ملت همان جوهر سیاسی، علمی و دینی آن است. مورخ و سراینده شعر خوب، از همه این امور آگاهی دارد. جنبه های ملی و زیباترین ویژگی های آن در خلال مراحل پیوسته رشد آن، برای او واضح و روشن است. شاعر می تواند گرایش معنوی حاکم در هر دوره را کشف کند؛ و به ما نشان دهد که چه چیزی برترین هدف و مقصد بوده است که بشریت در هر زمانی برای آن شور و اشتیاق از خود نشان می داده است و چگونه هر دوره نسبت به دوره دیگر دگرگون شده است وظیفه شعر است که برترین هدف یک ملت را در رویکردها و تحولات پیاپی آن ثبت کند؛ با این کار شعر، یک ملت را به آواز می خواند. این همان شعر ملت و همان جوهر اساسی امانت داری تاریخ شعر است (کفافی، ۱۳۸۲: ۴۱).

بخش زیادی از نظریه‌های مربوط به تأثیر شرایط اجتماعی بر آثار ادبی، در ادبیات مارکسیستی آمده است. مسایل اصلی مطرح را در دیدگاه مارکسیست‌ها در این باره، ارتباط ادبیات با طبقات اجتماعی، نوع اقتصاد رایج و شیوه تولید تشکیل می‌دهد. از دیدگاه این نحله‌ی فکری ادبیات محصول مبارزه طبقاتی در جامعه است و بین شیوه خاص تولید و ظهور گرایش‌ها و آثار ادبی خاص، ارتباط وجود دارد.

«لوسین گلدمن» معتقد است دیدگاه‌های مادی - تاریخی در بررسی آفرینش ادبی این اصل را مد نظر قرار می‌دهد که ادبیات و فلسفه، در عرصه‌های مختلف، شیوه‌های بیان یک جهان‌نگری هستند و جهان‌نگری نیز نه پدیده‌ای فردی، بلکه اجتماعی است (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۵۱). به طور کلی گلدمن معتقد است با این که همه دیدگاه‌ها تأثیر زندگی اجتماعی بر آفرینش هنری را می‌پذیرد اما دیدگاه‌های مادی - دیالکتیکی این امر را یک اصل مسلم و بنیادین می‌داند (گلدمن، ۱۳۷۶: ۲۴۹).

یکی دیگر از کسانی که در این زمینه نظریه‌پردازی کرده است «پلخانف» روسی است. وی منافع طبقاتی را محور تأثیرات اجتماعی بر نویسنده می‌داند. از دیدگاه وی ساختار طبقاتی جامعه و روان‌شناسی اجتماعی حاصل منافع طبقاتی، تأثیر تعیین کننده‌ای در آثار ادبی دارد و هر اثر ادبی غالباً آمیزه‌ای از عناصر مختلفی است که در آن‌ها تأثیرات طبقات گوناگون اجتماعی بر نویسنده آشکار است و پیوندهای هر اثر ادبی با روان‌شناسی این یا آن طبقه و یا گروه‌های اجتماعی بزرگ، عمدتاً از طریق محتوا مشخص می‌شود (چارسکی، ۱۳۵۶: ۹). برای درک بهتر رابطه بین شعر و سیاست باید به وجوه اشتراک و افتراق مقوله‌ی کلی‌تری به نام ادبیات و سیاست پرداخت. در نگاه اول ادبیات و سیاست هر دو مقوله‌هایی اجتماعی هستند و فرآیند فکر و عمل کسانی که در جایگاه عناصر حساس و فعال جامعه قرار دارند. بنابراین و با این رویکرد سیاست از سه طریق در ادبیات راه پیدا می‌کند.

۱- از طریق نهادهای وابسته به حکومت‌ها یا نهادهای متضاد با آن‌ها.

۲- از راه ایدئولوژی دولتی یا ایدئولوژی‌های مخالف با آن.

۳- از طریق بازتاب آزادانه و هرمونوتیکی جهان و جامعه در کارگاه ذهن خلاق هنرمند و بروز ادبی آن (آقا عسکری، ۱۳۸۲: ۳۷).

به این ترتیب شعری را می‌توان سیاسی دانست که به یکی از شیوه‌های گفته شده با سیاست ارتباط داشته باشد.

شعر به دو گونه مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند سیاسی باشد. در شکل مستقیم درباره قدرت سیاسی و اعمال قدرت و اشتراک در قدرت یا نقد آن بحث می‌کند و در شکل غیرمستقیم شاعر پیرامون نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و معرفتی دیگر که رو در رو و در تقابل با نظام سیاسی هستند اظهار نظر می‌کند.

مهم‌ترین موضوعاتی که در شعر سیاسی مشاهده می‌شود مفاهیمی چون وطن، استبداد، استقلال، عدالت، توده، حقوق زنان، مدح و ذم حکام، حماسه‌ها، خاطرات جنگ و ... می‌باشد.

انواع شعر سیاسی در قالب‌های زیر قابل بحث است:

- ۱- به لحاظ شیوه بیان: شعرهای متعارف سیاسی - شعرهای غیرجدی یا طنز سیاسی
- ۲- به لحاظ محتوایی: شعرهای طرفدار حاکمیت و قدرت موجود - شعرهایی که به نقد حاکمیت موجود می‌پردازد.
- ۳- از لحاظ صراحت بیان: شعرهایی که به صراحت مسایل سیاسی را مطرح می‌نمایند - شعرهایی که به صورت رمزی و استعاری (سمبولیک) به مسایل سیاسی می‌پردازد (درستی، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۶).

۴- ادبیات سیاسی در ایران

بنا به اجماع متفکران و صاحب‌نظران، سرآغاز ادبیات سیاسی جدید ایران در دوره مشروطیت است. ادبیات سیاسی ایران در این دوره به بخش‌های گوناگونی تقسیم شده است. «عبدالرحیم

ذاکر حسین» در کتاب «ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت» ادبیات سیاسی این دوره را به ۴ مرحله تقسیم می‌کند:

- ۱- مرحله اول که شامل دوره‌های اول تا پنجم مجلس شورای ملی است.
 - ۲- مرحله دوم مشروطیت ۱۳۰۴-۱۳۲۰: عصر سلطنت رضاشاه شامل دوره ششم تا دوازدهم مجلس شورای ملی است.
 - ۳- مرحله سوم: ۱۳۲۰-۱۳۳۲: این مرحله که شامل دوره‌های سیزده تا هفدهم مجلس شورای ملی است و با اشغال ایران توسط قوای متفقین آغاز می‌شود.
 - ۴- مرحله چهارم ۱۳۵۷-۱۳۳۲ (ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۵۶).
- هدف اصلی ادبیات دوره مشروطه را می‌توان بیداری مردم و برانگیختن احساسات ملی و میهنی و ترویج آزادی‌های فردی و اجتماعی و طرد خرافات و اندیشه‌های سست و ناروا و پیکار با بیگانگان و آشنا کردن مردم به حق و حقوق انسانی آنها دانست.
- سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، دوران نصیح گرفتن شیوه‌های تازه در ادبیات ایران است و کوشش‌های فراوان و در خور ستایشی در این زمینه انجام گرفت: مجلات ادبی متولد شدند که هم پای معیارهای جهانی حرکت می‌کردند و برای اقلیتی پیشرو این امکان را پدید آورده بودند تا بتوانند از آخرین نظریه‌ها در ادبیات جهانی آگاهی یابند. اما این حقیقت تلخ نیز خود نمایی می‌کرد که ۹۰ درصد افراد جامعه بی‌سوادند و طبیعتاً "سر و کاری با این امور ندارند. از میان ۱۰ درصد با سواد نیز عده‌ای محافظه‌کار بودند و عده‌ای هم طعم ناامیدی را مزه مزه می‌کردند. تنها قلبی بودند که با صبر و حوصله و پشتکار، بنیان‌های ادبیات نوین ایران را گذاشتند.

۵- شعر سیاسی ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰

یکی از مهم‌ترین اتفاقات ادبی این دوره ظهور شاعرانی است که هم‌پای تحولات استثنایی این سال‌ها حرکت کرده و در آثارشان روح زمانه خود را انعکاس داده‌اند. در این بخش و در راستای بررسی فرضیه پژوهش به آنها خواهیم پرداخت.

- نیما یوشیج (خوشبینی و امید به تغییر)

شعر نیما یوشیج را در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ می‌توان در طبقه شعرهای سیاسی و اجتماعی قرار داد. نیما از جمله شاعرانی است که درک درستی از زمانه خود دارد. نیما بدون آنکه مدعی باشد در شعرش هم به سیاست و هم به اجتماع می‌پردازد.

«عبدالعلی دستغیب» معتقد است نیما دید اجتماعی خاصی به شعر می‌دهد و شعر فارسی را که پس از حافظ جنبه فردی به خود گرفته بود به قطب اجتماعی می‌برد. به عنوان مثال نیما در شعرهایی چون «کارشب پا» به وصف زندگی برنجکاران می‌پردازد؛ یا در شعر دیگری حرکت لاک‌پشتی را در کنار رودخانه وصف می‌کند و در شعر «ناقوس» شب مسلط زمان خود را وصف می‌کند و ناقوس آزادی را به صدا در می‌آورد (دستغیب، ۱۳۷۱: ۱۸).

بنابراین و در این زمینه تفاوت کلی بین شعرهای نیما و شعر شاعران کلاسیک را می‌توان در این نکته دانست که شعر نیما شعری زمینی است و در تار و پود آن می‌توان مشکلات و واقعیت‌های زندگی روزمره را دید.

شعر اجتماعی و سیاسی نیما با برخی از شاعران هم‌ردیف خود در دوره‌ی مشروطه که به شکل آشکار به مسایل سیاسی و اجتماعی می‌پرداختند تفاوت دارد. وی شعریت شعر را در ابهام مستتر در آن می‌دانست و شعرهای دوره مشروطیت را به این دلیل که داری ابهام نبودند و به دام ساده‌سرایی افتاده بودند، شعر نمی‌دانست. بنابراین در شعرهای اجتماعی و سیاسی نیما نوعی ابهام وجود دارد که می‌توان آن را ابهام سیاسی نامید.

اولین شعر نیما که در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ سروده شده است. شعر مشهور «آی آدم‌ها» و آخرین آنها شعری با نام «دل فولادم» است که تاریخ سال ۱۳۳۲ را دارد.

شعر آیدم‌ها را می توان بازمانده دوران گذشته در ذهن نیما دانست. دورانی که به واسطه حکومت استبدادی رضاشاه، جامعه و مردم در حال غرق شدن و نابودی بود و تمام تلاش‌های آزادی خواهانه مذبحخانه می نمود.

یکی دیگر از شعرهای سیاسی نیما در این دوره شعری با عنوان «نه، اونمرده است» نام دارد که در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۲۰ سروده شده و درباره «تقی ارانی» رهبر کمونیست‌های ایران است. در این شعر به تاثیرگذاری تفکر ارانی بر جامعه اشاره شده است. شعر با اشاره به گذشت دو سال از مرگ ارانی آغاز می شود:

دو سال از نبود غم انگیز او گذشت / روی مزار او / دو بار برگ های خزان ریخته شدند. (نیما یوشیج، ۱۳۷۰: ۳۰۴)

واژه‌ها و نام‌ها و اصطلاح‌هایی چون «خزان»، «جغد»، «غروب غمگین»، «مزار»، و «غمناک» فضایی سنگین در دو بند اول شعر ایجاد می کند. اما از بند سوم و با استفاده از عبارت‌هایی چون «روز سفید» و «ساحت جبین جوانی»، فضای شعر کمی بازتر و امیدوارانه تر می شود و زمینه را برای طرح زنده بودن تفکر ارانی آماده می کند:

مانند اینکه آنکه تو دانی نمرده است / هرکس به یادش آید، گویند: / دو سال رفت ولیک ارانی نمرده است. (نیما یوشیج، ۱۳۷۰: ۳۰۵)

در بند چهارم شاعر دغدغه اساسی زندگی ارانی را که تلاش برای زندگی بهتر مردم است با مخاطب در میان می گذارد:

نه او نمرده، رو ز نهانخانه وجود / به پای خاسته است / او از برای زندگی ما / تا بهره ور تر آئیم / دارد هنوز هم سخنی گرم می کند / این تیره جوی سنگدلان را / دارد به حرف مردم ای نرم می کند. (نیما یوشیج، ۱۳۷۰: ۳۰۵)

بند پنجم شعر به تاثیر افکار و دیدگاه‌های ارانی بر مردم اختصاص دارد. شاعر با زبانی ساده این تاثیر را این گونه شرح می دهد:

دو سال شمع زندگی‌اش را به روشنی / مردم ندید لیک / بس شمع‌های دیگر روشن شدند از او / مانند آنکه همین آرزوش بود... (نیما یوشیج ، ۱۳۷۰: ۳۰۵)

یکی دیگر از شعرهای قابل توجه نیما در این سال‌ها، شعر «ناقوس» است. ترجیع بند «دینگ دانگ» را که در سراسر شعر تکرار می‌شود می‌توان نمادی از آگاه‌سازی و بیدارباش شاعر برای جامعه‌ی تازه رها شده دانست. بانگی که خرمن خاکستر هوا را می‌شکافد و دیوارهای سرد سحر را می‌درد.

آوای ناقوس حضور و غیاب زندگان و مردگان است و آوای بیدار باش؛ شاعر متحیر از این آوای بی‌سابقه می‌پرسد که چه شده است که بر خلاف همیشه، همه بیدارند و سبب این بیداری چیست؟ بیداری که رنگ امید دارد و بوی امیدواری می‌دهد. نوای گرم ناقوس در کارگرد هم آوردن دل‌های خسته است و در تاروپود خلق می‌دود و رازهای نهفته را تعبیر می‌کند و نوید تغییر می‌دهد:

از هر نواش / این نکته گشته فاش / کاین کهنه دستگاه / تغییر می‌کند. (نیما یوشیج ، ۱۳۷۰: ۳۴۱)

یکی دیگر از مهم‌ترین شعرهای نیما در این سال‌ها، شعر «کار شب پا» است. این شعر از عمق تاثیرپذیری شاعر از محیط زندگی و جامعه او خبر می‌دهد و به شرایط زیستی فقیرترین قشرها اشاره دارد.

نیما «شب پا» را گرم کار خسته کننده، غرق در تفکر پیرامون بدبختی‌هایش به تصویر می‌کشد. مرد، تازه زنش مرده است و دو بچه دارد که در خانه بیمار و گرسنه و تنهایند. سراسر شعر در شب می‌گذرد. شبی بی‌پایان و مرموز با وزوز وحشت‌آور حشرات و ترس از مواجهه با گراز و کابوس یاد فرزندان بی‌مادر که دل «شب پا» را می‌سوزاند:

باز می‌گوید: «مرده زن من / بچه‌ها گرسنه هستند مرا / بروم بینمشان روی دمی. / خوکها گوی بیایند و کنند / همه این آیش ویران به چرا» (نیما یوشیج ، ۱۳۷۰: ۴۱۶)

این شعر اوج زندگی فلاکت‌بار مردم را نشان می‌دهد. مردمی که نه طبیعت یاری شان می‌کند و نه اجتماع. ویژگی مهم شعر این است که دلیل بدبختی مردم را ناشی از بخت و تقدیر نمی‌داند، بلکه آن را به مناسبات ظالمانه اجتماعی و سیاسی نسبت می‌دهد که پس از شکست انقلاب مشروطیت و کودتای رضا خان پدید آمده است. (سیار، ۱۳۷۹: ۱۳۸)

امید بخش‌ترین شعر نیما که در محدوده زمانی این پژوهش سروده شده، شعر «خروس می‌خواند» است که تاریخ آبان ماه ۱۳۲۵ را دارد. این شعر را می‌توان ادامه شعر ناقوس دانست. امید به بهبود اوضاع که شعر با آن آغاز می‌شود، با محتوایی بومی‌تر در این شعر ادامه می‌یابد. شعر ریتمی تند دارد و حال و هوای صبحی فرح‌بخش را تداعی می‌کند.

پس از این شعر، شعرهایی چون «او را صدا بزن» و «پادشاه فتح» نیز امیدواری شاعر را به تغییر وضع موجود انعکاس می‌دهد. در شعر پادشاه فتح، یکی از زیباترین توصیف‌های فروپاشی شب و پایان استبداد، توسط نیما به کار می‌رود:

در تمام طول شب، کاین سیاه سالخورد، / انبوه دندانه‌هاش می‌ریزد؛ / سایه‌های قبرهای مردگان
و خانه‌های زندگان در هم می‌آمیزد؛ / و آن جهان افسانه‌رفته در فسون خود، / از پی خواب
درون تو، / می‌دهد تحویل از گوش تو خواب تو به چشم تو. پادشاه فتح بر تختش لمیده
است. (نیما یوشیج، ۱۳۷۰: ۴۲۴)

- احمد شاملو (تعهد و مردم‌گرایی)

شاملو سه مجموعه «آهنگ‌های فراموش شده»، «آهن‌ها و احساس» و «قطعه‌نامه» را در سال‌های قبل از کودتا منتشر می‌کند.

قطعه‌نامه مجموعه‌ای است از چهار شعر بلند به نام‌های: «شکوفه‌های سرخ یک پیراهن» که تاریخ سرایش مهر ۱۳۲۹ را دارد، «سرود مردی که خودش را کشته است» (۱۳۳۰)، «سرود بزرگ» (۱۶ تیر ماه ۱۳۳۰)، و «قصیده برای انسان بهمن» (بهمن ۱۳۲۹).

این کتاب با مقدمه‌ای از «چوبین» (فریدون رهنما) به چاپ رسید. قطعه‌نامه یک بیانیه انتقاد از خود است و استغفار و طلب آمرزش از گناهان گذشته؛ دفاع از دوران نوجوانی که شاعر در دفاع از هیتلر در زندان متفقین به سر برده بود، انتقاد از گذشته و تعهد به جامعه، که از این پس در خدمت منافع او خواهد بود.

اولین شعر این مجموعه «تا شکوفه سرخ یک پیراهن» نام دارد و با تمثیلی از ماجرای به دار کشیده شدن حضرت عیسی (ع) به روایت گروهی از مسیحیان آغاز می‌شود. در آغاز این شعر، شاعر رسالت پیامبری را که با مرگ خود باعث رستگاری امتش شد یادآوری می‌کند. تصویری که شاعر از خود در این شعر به نمایش می‌گذارد، انسان متعهدی است که «تعهد را تا مغز استخوان‌هایش حس کرده است». شاعر به این طریق بازگشت به مردم و همنوایی‌اش را با آنها اعلام می‌کند. مردمی که: [... / خون گرم‌تان را / به سربازان جوخه اعدام / می-نوشانید / ... / شما که در تلاش شکستن دیوارهای دخمه اکنون خویشید / ... / شما ... / او من ... شما و من (شاملو، ۱۳۵۹: ۴۴)

شاعر در ادامه از دوست داشتن مردم می‌سراید؛ دوست داشتن مردم از عادی‌ترین آن‌ها و همه اقشار زحمتکش:

دوست داشتن مردان و زنان / دوست داشتن نی‌لیک‌ها / سگ‌ها / و چوپانان / دوست داشتن شالیزارها / پاهای زالوها... (شاملو، ۱۳۵۹: ۴۹)

در نهایت تصویر شاعر از خود، مردی است که حاضر است جانش را برای نجات مردم فدا کند.

دومین شعر این مجموعه «سرود مردی که خودش را کشت» نام دارد و در آن تلاش‌های شاعر برای پیوستن به مردم ادامه دارد و شاعر «من» بیگانه از مردم اش را می‌گشود:

نه آبخش دادم / نه دعایی خواندم، / خنجر به گلویش نهادم / و در احتضاری طولانی / او را کشتم. (شاملو، ۱۳۵۹: ۵۷)

شاملو در شعر «سرود بزرگ» گستره تعهدش را وسیع می کند و تحت تاثیر الگوهای حزبی، مبارزات مردم کره شمالی را در مبارزه با آمریکا مورد توجه قرار می دهد. و پیوستگی خود را در نبرد با دشمن مشترک اعلام می کند:

اما تو / شن / برادرک زردپوستم! / هرگز جدا / مدان / زان کلبه حصیر سفالین بام، بام و سرای
من. (شاملو، ۱۳۵۹: ۶۹)

به طور کلی در مهم ترین کتاب شاملو در این سالها که قطعه نامه است، بازگشت به مردم و تاکید شاعر به تعهد در مقابل آنها - هرچند انگیزه این تعهد گرایش های حزبی و گروهی است - به چشم می خورد.

- هوشنگ ابتهاج (دعوت به مبارزه و واقع گرایی)

هوشنگ ابتهاج مجموعه شعر «شبگیر» را به همراه «سیاه مشق» در سال ۱۳۳۲ به چاپ می - رساند. این مجموعه شعر، یکی از سیاسی ترین مجموعه شعرهای منتشره در آن زمان است. شبگیر متشکل از ۲۵ شعر است. تاریخ اولین آنها (پیوند)، خرداد ۱۳۳۰ و تاریخ آخرین آنها (کاروان) اسفند ۱۳۳۱ می باشد. تمامی سروده های این مجموعه مگر معدودی (آزار، سه ستاره)، از جمله شعرهای اجتماعی ابتهاج به شمار می آید. نکته ای که باید در مورد این اثر مورد توجه قرار گیرد، خود شاعر است، شاعری که از دریچه حزبی (حزب توده) به مسائل می نگرد و تعلقات گروهی برایش مهم است. برای مثال در شعر «شبگیر» که برای نخستین بار در مجله «کبوتر صلح» به چاپ رسید، اشاراتی آشکار به نظام اتحاد شوروی و پیروزی انقلاب اکتبر آن می شود:

دیرگاهی است که در خانه همسایه من خواننده خروس ...

در سطرهای بعدی، شاعر چشم براه «آن بانگ دلاویز» است و محو آن اختر شبتاب که در خانه همسایه (اتحاد جماهیر شوروی) تابیدن گرفته است.

امید، واژه‌ای است که در نخستین صفحه‌های این مجموعه شعر دیده می‌شود؛ امیدی پویا و زنده که به هدفی دست یافتنی دلالت دارد. و آنقدر تحقق آن نزدیک است که شاید همین « فردا» باشد:

می‌خوانم و می‌ستایم پر شور / ای پرده دل فریب رویا رنگ! / می‌بوسمت، ای سپیده گلگون / ای فردا، ای امید بی‌نیرنگ! / دیربست که من پی تو می‌پویم ... (ابتهاج، ۱۳۶۰: ۱۵)

آن‌گاه شاعر به انتقاد از وضع موجود می‌پردازد. او همه جا را غرق در اشک و خون می‌بیند و سر نیزه‌های خون‌فشان را در راه‌ها نظاره می‌کند. شاعر در راه یگانه بی‌بازگشت قدم می‌گذارد و همراه با امید راه می‌افتد. در این راه پر مخاطره، اگر یک مرد به خاک می‌افتد، صد مرد به جای او بر می‌خیزد و او در هر صورت خود را در این راه (حرکت به سوی فردا) پیروز می‌بیند، هر چند مرگ و رنج در کمین باشد:

آری، ز درون این شب تاریک / ای فردا من سوی تو می‌رانم / رنج است و درنگ نیست، می‌تازم / مرگ است و شکست نیست، می‌دانم / آبستن فتح ماست این پیکار ... (ابتهاج، ۱۳۶۰: ۱۶)

در شعر «سرود رستاخیز» شاعر قصه قیام را شرح می‌دهد و کیفیت و کمیت آن را بر می‌شمارد.

به پا خواستم / پر درد و خشم آلود / ز پیا بگسیخته زنجیر، / دست آزاد / نگاهم: شعله خیز کوره آتشفشان خشم / و من لبریز خشم و حشی فریاد. (ابتهاج، ۱۳۶۰: ۲۳)

در این شعر شاعر از مردم می‌خواهد که از انفعال و خاموشی سالیان دراز دست بردارند و به او گوش بسپارند و به آنان یاد آوری می‌کند که چه خورشیدها زیر نقابند که می‌خواهند بتابند و منتظر آنانند، و چه ستاره‌ها که بر این راه غبار آلود چشم بسته‌اند.

در شعر «به ناظم حکمت» انتقاد از وضع موجود - که یکی دیگر از ویژگی‌های ادبی سال‌های ۳۲-۲۰ است دیده می‌شود. در این شعر، شاعر از جغدهایی که در شب تب زده میهنش چراغ‌ها را خاموش می‌کنند و گل و غنچه باغ را به ستم می‌ریزند می‌نالند.

شعر «پایان بر آغاز» نقطه عطفی در آثار سایه به شمار می‌رود و آغازی است بر نگاه واقع-گرای شاعر به زندگی و اجتماع. خود او در این باره می‌گوید:

زمانی بود که من هنوز دشمن و دوست خود را نمی‌شناختم، هنوز عشق بزرگم را نیافته بودم، با دیگران می‌سوختم، اما شعر من سراب بود و در پایان آن روزگار نوشتم، به هنگامی که خروش و فریاد درد، در پرده دل تو می‌آویزد، من برای عشق بیمارم آواز خوانده‌ام، به هنگامی که چهره‌های زرد و شکسته هم میهنان من با اشک و خون آغشته می‌شود، من برای گل‌های یاس، برای شبهای مهتابی، برای خواب‌ها و رویاهای خود شعر سروده‌ام، شعر همچون ناله مرغ شب، آواز اندوه پریشانی و شکست شده است و من دیگر نمی‌خواهم که چنین باشد. من آواز خویش را در دل تنگ سرخواهم داد و این آرزو را که سرگذشت رنج و رزم پر شکوه انسانهاست از میان حصارهای ویران این شب خون آلود به گوش دورترین ستاره بیداری آسمان خواهم رساند، و چنین کردم. (رقعی، ۱۳۷۳: ۱۷۱۱-۱۷۱۲)

این شعر اینگونه آغاز می‌شود:

دروازه‌های شعرم را / به روی تو بستم ، / - گالی / پادشاه شهر باستانی شعر من (ابتهاج ، ۱۳۶۰ : ۳۵)

چهره دیگری که از سایه در «شبگیر» نمود یافته است، چهره مبارزه‌جویانه اوست. «سایه» شعر را سنگری می‌بیند که از آن نارنجک و تیر حرفش را به سوی دشمن پرتاب می‌کند و حتی مرگی قهرمان‌گونه را در صحنه جنگ آرزو می‌کند:

... لیک مرگی دیگری هم هست، / دردناک، / اما شگرف و سرکش و مغرور، / مرگ مردان،
مرگ در میدان / با تپیدن های طبل و شیون شیپور / با صفیر تیر و برق تشنه شمشیر / غرقه در
خون، پیکری افتاده زیر سم اسبان / وه، چه شیرین است / رنج بردن / پا فشردن / در ره یک
آرزو، مردانه مردن! ... (ابتهاج، ۱۳۶۰: ۵۵ - ۵۶)

و این گونه است که دیواری بلند میان او و عشقش (گالی) کشیده می شود.

آخرین شعر شبگیر «کاروان» نام دارد که شاعر در آن دوباره علل گرایش خود را از
رمانتیزم احساساتی و ساتیمالیزم، به رئالیسم شرح می دهد، البته رئالیسمی که بیشتر در دستگاه
زیبایی شناسی مارکسیستی تجلی می یابد:

عشق من وتو؟ .. آه / این هم حکایتی است. / اما، در این زمانه که در مانده هر کسی / از بهر نان
شب، دیگر برای عشق و حکایت مجال نیست.

۴- سیاوش کسرایی (آهنگ شتابان امید)

«آوا» نام مجموعه‌ی شعری است از سیاوش کسرایی که در اسفند ماه ۱۳۳۶ در هزار نسخه
توسط انتشارات نیل منتشر گردیده است. تاریخ سرایش شعرهای این مجموعه را می توان به
دو دسته قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد تقسیم کرد. به وضوح در شعرهای قبل از کودتا
امیدواری و در شعرهای بعد از کودتا یاس را می توان مشاهده کرد. به عنوان مثال در شعر
«پس از من شاعری می آید»، شاعر انتظار روزهای بهتر را می کشد. شاعری که شعرهایش می -
خندند و آواهای خود رویش چون عطر سایه دار یک گل نارنج است و غبار کاروان های
قرون درد و خاموشی را می روبد:

پس از من شاعری می آید / که میخندد اشعارش / که می بویند آواهای خود رویش / چو عطر
سایه دار دیرمان یک گل نارنج / که می روبند الحانش / غبار کاروان های قرون درد و
خاموشی. (کسرایی، ۱۳۳۶: ۲۵)

شاعر در این شعر در جستجوی روزهای بی‌توفان و امیدهای دست‌یافتنی است و در جستجوی شاعری که امید را درون یک صدف در قعر دریاها نجوید و به موج اشک چشم آرزویش را نشوید.

یا شعر «گریز از رنگ» در این مجموعه، رنگین‌کمانی از زیبایی و امید است:
رنگ چه‌ای ای دریچه‌های پر از مهر؟/ رنگ چه‌ای ای دو چشم روشن زیبا؟/ رنگ چه‌ای ای شراب سبز فریبا؟ (کسرائی، ۱۳۳۶: ۱۳)

شاعر در این شعر دلدار را به رنگ خزان نمی‌بیند و از جنس پاییزش نمی‌داند؛ که خزان پر از مرگ است، بنابراین می‌پرسد:

...رنگ بهاری؟ بهار تازه رس کال؟/ یا چون کران‌های سایه خورده دریا؟ (کسرائی، ۱۳۳۶: ۱۳)

سراسر این شعر از این پرسش‌های شادی‌بخش و تشبیهات زنده‌آکنده است. آهنگ شتابان امید بیش از هر شعری در شعر «رقص ایرانی» به چشم می‌خورد و به اوج می‌رسد:

گهی زنگی بر انگشتی بیاویز/ نوا و نغمه‌ای با هم بیامیز/ دلارام!/ میارام!/ گهی بردار چنگی/
بهر دروازه رو کن/ سر هر رهگذاری جستجو کن/ بهر راهی، نگاهی/ بهر سنگی، درنگی/
برقص و شهر را پرهای و هوی کن. (کسرائی، ۱۳۳۶: ۱۳)

برای درک بهتر این امیدواری و شور و هیجان باید فضای این شعرها را با فضای شعرهای سروده شده پس از کودتا مقایسه کرد. «خواب» اولین شعر این مجموعه است که تاریخ پس از کودتای ۲۸ مرداد را دارد:

دریا درون بستر من غوطه می‌خورد/ وین‌های و هوی اوست:/ فریادهای من!/ آوازهای من!/ رنگین ترانه‌های دل‌انگیز شاد من!/ فریادهای من همه از من گریختند. (کسرائی، ۱۳۳۶: ۳۳)

ناگهان فضای آرام و شفاف و صمیمی و پر امید شعرهای قبل از کودتا را دود و گرد و غباری عظیم می‌گیرد و شاعری که به آرامی از امید و روشنی و فردا می‌گفت، فریاد می‌کشد و کابوس می‌بیند:

بر گیسوی شکسته امواج بالدا / یک شط زهر از مهتاب ریختند / امشب مرا چه می‌شود از این شراب خواب؟ (کسرای، ۱۳۳۶: ۳۳)

در چشم شاعر شبی تلخ می‌چکد و سپیدی از روز می‌رود و سایه‌ها در سیاهی آواره غروب بر افق می‌خشکد. تابوتی از برابر چشمان شاعر می‌گذرد و او می‌پرسد:

«این سایه‌های خشک بدیوار مانده چیست؟ / تصویرهای کیست؟ / امشب چرا دگر بسرانگشت‌های موج / یک آشیان تهی است؟» (کسرای، ۱۳۳۶: ۳۵)

با نگاهی به ترکیب‌ها و تعبیرهای ادبی به کار رفته در این شعر و مقایسه آن با شعرهای قبلی شاعر، پی به تغییراتی در جهت ناامیدی و بدبینی می‌بریم. تغییراتی چون «گیسوی شکسته امواج»، «آواره غروب»، «سایه‌های خشک»، «مرداب ابرها»، «موی سیاه باد»، «تابوت ماه»، «سکوت شهر»، «شادی سایه‌ها»، «شهر سیاه»، «چشم‌های مرگ»، «زهر خوشگوار»، «جادوگران پیر» و... در مقایسه با تعبیرها و ترکیب‌هایی چون: «دریچه‌های پر از مهر»، «شراب سبز فریبا»، «جوانه‌های حیات»، «شاخه‌های زرکش امید»، «چمن زارهای روشن خورشید»، «بهار تازه رس کال»، «شبنم صبح» و... به اندازه کافی گویای مطلب می‌باشد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران با سقوط حکومت رضا شاه در پی حمله متفقین و سپس اشغال نظامی ایران در شهریور ۱۳۲۰ آغاز می‌شود. این دوره که تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ طول می‌کشد ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی دارد؛ از یک طرف کشور به اشغال نیروهای خارجی درآمده است، از سوی دیگر به یک‌باره خلاء بزرگ قدرت در پی سقوط حکومت مطلقه رضاشاه و جوانی و بی‌تجربگی جانشین او پدید آمده است. تبعات این رویدادها نیز دارای ابعاد گوناگونی است. از یک سو کشور دچار بحران‌های فراگیر اقتصادی

و سیاسی و اجتماعی شده است و قحطی و گرسنگی و ناامنی وضعیت زندگی را دشوار کرده است اما از طرف دیگر به دلیل نبود قدرتی استبدادی، دوران طلایی برای فعالیت احزاب و گروهها و انتشار مجلات و روزنامه‌ها با هر عقیده و طیف فکری به وجود آمده است. کشوری که در دوره رضا شاه و به دلیل ماهیت یکه تازانه حکومت او نای نفس کشیدن نداشت، اکنون و به ناگهان با فضای آزادی برخورد کرده است که نیروی بازدارنده‌ای برای فعالیت‌های سیاسی گوناگون وجود ندارد.

تاثیر این دوران بر جنبه‌های فکری و فرهنگی جامعه به ویژه در عرصه شعر موضوع اصل این پژوهش بود و تلاش گردید با بررسی شعرهای مهم‌ترین شاعران این دوره تاثیر این فضای باز بر خلاقیت شاعران و سمت و سوی فکری آنها مورد بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده را نهایتاً این گونه می‌توان فهرست کرد:

۱- در شعرهای نیما یوشیج که در این مقطع سروده شده و بررسی شد، گرایش به مردم و دردها و مشکلات آنها به چشم می‌خورد. شاعر با پایین آمدن از برج عاج خویش، در شعر خود به فقیرترین اقشار جامعه چون برنجکاران و کارگران مزرعه می‌پردازد. در کنار این مساله نوعی خوشبینی و امید به تغییر را نیز در شعرهای این دوره‌ی نیما یوشیج مشاهده می‌کنیم. شاعر، دوره استبداد را تمام شده می‌داند و انتظار روزهای بهتر را می‌کشد.

۲- سروده‌های احمد شاملو را در این مقطع می‌توان نمونه‌ای از تعهد ناب حزبی دانست. شاملو شرمسار از سرودن مجموعه‌های رومانتیکی چون «آهنگ‌های فراموش شده»؛ در مجموعه شعر «قطعنامه» بازگشت و همبستگی با مردم را اعلام می‌کند. همبستگی که از دایره‌ی مرزها فراتر می‌رود و تمام خلق‌های مبارز جهان را در بر می‌گیرد.

۳- هوشنگ ابتهاج که تا قبل از سرودن مجموعه شعر «شبگیر» شاعری رومانتیک شمرده می‌شد، با سرودن این مجموعه، واقع‌گرایی اجتماعی را در پیش می‌گیرد. و عشق‌های شخصی را

به کناری می‌نهد و مردم را مبنای تفکرات خود قرار می‌دهد. دعوت به مبارزه نیز در کنار این تفکرات به چشم می‌خورد.

۴- با مقایسه شعرهای قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سیاوش کسرایی که در مجموعه شعر «آوا» به چاپ رسیده است می‌توان پی به دوگانگی محسوسی در این شعرها برد. به طور کلی در شعرهای قبل از کودتا این شاعر مضامین امید بخش به چشم می‌خورد، شاعر رویا می‌بیند و سخن از آب و سبزه و برکه است؛ اما شعرهای پس از کودتا در غباری از کابوس و تیره‌گی و ناهنجاری فرو رفته است.

به طور کلی و در جهت اثبات فرضیه اصلی ویژگی‌های عمده ادبیات سیاسی ایران را در این سال‌ها می‌توان مردم‌گرایی، و خوشبینی و امید به آینده دانست؛ ویژگی‌هایی که فقط در پرتو یک فضای باز امکان شکل‌گیری دارد.

منابع

- ۱- ابتهاج، هوشنگ (۱۳۶۰). *شبگیر*، تهران: توس.
- ۲- ابراهیمی، رضا (۱۳۹۸). «*توامتنیت در شعر شاملو: نواندیشی در کاربرد مضامین کهن و اسطوره‌های ادبیات ایران و جهان در شعر رکسانا*»، فصلنامه علمی و پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال ۱۱، شماره ۳۹، تابستان.
- ۳- برقعی، محمد رضا (۱۳۷۳). *سخنوران نامی معاصر ایران*، جلد ۳، قم، نشر خرم.
- ۴- جواهری گیلانی، محمدتقی (۱۳۷۷). تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد ۱، چاپ دوم، تهران، مرکز.
- ۵- چارسکی، لونا (۱۳۵۶). *درباره ادبیات*، ترجمه ع نوریان، بی‌جا، شباهنگ.
- ۶- درستی، احمد (۱۳۸۱). *شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۷- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۱). *گرایش‌های متضاد در ادبیات ایران*، تهران، خنیا.
- ۸- دیچز، دیوید (۱۳۶۶). *شیوه‌های نقد ادبی*، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی، تهران، علمی.
- ۹- رضاییگی، مریم (۱۳۹۲) و حسین حسن‌رضایی و محمدمراد ایرانی «*بررسی جریان‌ها و تحولات شعر فارسی از دهه‌ی ۲۰ تا دهه‌ی ۵۰ با تکیه بر اشعار نادر نادرپور*» فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و

ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال ۵، شماره ۱۴، بهار.

- ۱۰- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷). **ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت**، تهران، علم.
- ۱۱- سیار، عبدالله (۱۳۷۹). «واکاوی دیگری از شعر «کارشب پای نیما یوشیج» **گزارش**، شماره ۱۱۶، مهرماه.
- ۱۲- شاملو، احمد (۱۳۵۹). **قطعه‌نامه**، تهران، مروارید.
- ۱۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۹). **ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت**، تهران، توس.
- ۱۴- قراگوزلو، محمد (۱۳۸۵). «درآمدی بر تبارشناسی شعر سیاسی و اجتماعی» اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۳-۲۳۴. بهمن و اسفند.
- ۱۵- عسکری، میرزا آقا (مانی) (۱۳۸۲). «**ادبیات سیاسی و سیاست ادبیات**» نگاه نو، شماره ۱۵۵، دور جدید، آبان ماه.
- ۱۶- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲). **ادبیات تطبیقی**، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد، به نشر.
- ۱۷- کسرابی، سیاوش (۱۳۳۶). **آوا**، تهران، نیل.
- ۱۸- گلدمن، لوسین (۱۳۷۶). **جامعه، فرهنگ، ادبیات** ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: چشمه.
- ۱۹- مسلمانیان قبادیانی، رحیم (۱۳۷۸). «**نگاهی به تعریف شعر از نظر عروضی**» کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۱، فروردین و اردی بهشت.
- ۲۰- میرصادقی جمال (۱۳۸۳)، **داستان و ادبیات**، تهران، آیه مهر.
- ۲۱- نظامی عروضی سمرقندی احمد بن عمر بن علی (۱۳۶۴)، **چهار مقاله** به تصحیح محمد قزوینی و به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- ۲۲- یوشیج، نیما (۱۳۷۰)، **مجموعه کامل اشعار**، به کوشش سیروس طاهباز، تهران، نگاه.